

پیام چهاردهمین کنگره سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران به مناسبت سی‌مین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی و عقیدتی



گورستانهای بی نام و نشان، خاوران!

خاکتان لهیده از خون

خاکتان تفتیده از اشک های گرم مادران

خاکتان هزاران بار غربال شده تا مگر لکه های ننگ حاکمان زودوده شود از پیکرتان

کنگره‌ی چهاردهم سازمان ما در سی‌مین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی و به یاد همه زنان و مردانی که از بذل جان‌های عزیزشان برای تحقق آرمان‌های انسانی و در راه آزادی، برابری دموکراسی و سوسیالیسم دریغ نکردند، به پا ایستاد و با یک دقیقه سکوت و ادای احترام به آنان کار خود را آغاز کرد.

سی سال از آن تابستان خونبار گذشته است.

این رژیم از همان فردای استقرار و طی 40 سال حکومت خود، همواره به سرکوب و اعدام مخالفین سیاسی و دگراندیشان مشغول بوده است. اعدام و کشتار زندانیان سیاسی و عقیدتی طی دهه شصت و بویژه در تابستان خونین 67 اما جنایتی است که از نظر ابعاد آن، بدرستی از جانب بسیاری «جنایت برعلیه بشریت» اعلام شده است.

بدون شک، پایان جنگ 8 ساله با عراق، پذیرش قعطنامه 598 و نوشیدن «جام زهر» توسط خمینی در سرعت بخشیدن کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی در سرتاسر ایران تاثیر داشته اند. اما شواهد بسیاری حاکی از آنند که این تصمیم جنایتکارانه ماهها قبل از پایان جنگ، از جانب مسئولین حکومتی برنامه ریزی شده بود.

خمینی در فتوایی که در تیر ماه 1367 برای قتل عام زندانیان سیاسی صادر کرد با شقاوت و بیرحمی تمام به هئیت مرگ (متشکل از حسینعلی نیری، مرتضی اشراقی، ابراهیم رئیسی و مصطفی پور محمدی) دستور داد که به دشمنان اسلام رحم نکرده و آنان را هر چه سریعتر نابود کنند.

طی تابستان 67 و در آغاز پاییز، هزاران زندانی سیاسی و عقیدتی که بسیاری از آنان در بیدادگاههای حکومت اسلامی به حبس محکوم شده بودند و برخی دوره زندان خود را نیز سپری کرده بودند، به دار آویخته شده و یا تیر باران شدند. پیکر آنان در گورهای دسته جمعی، در بهشت زهرا، خاوران و یا گورستانهای بی نام و نشان در شهرهای مختلف ایران دفن شدند. هنوز و پس از گذشت سالها خانوادهها و بازماندگان قربانیان این جنایت نمیدانند که عزیزانشان در چه شرایطی اعدام شده و در کجا به خاک سپرده شده اند. حکومت اسلامی در طی این سالها به سوالات و جستجوها و دادخواهی آنان با، سرکوب، ضرب و شتم، دستگیری و.. پاسخ داده است.

طی سالیان متمادی، مسئولین رژیم اسلامی، در تمامی ردههای حکومتی، کوشیدند با اتخاذ شیوههای مختلف، سرکوب و یا انکار، این جنایت را به فراموشی بسپارند. اما پایداری، فداکاری خانوادهها و بازماندگان، شهادت‌های زندانیان سابق و تلاشهای فعالین سیاسی، به یک کلام جنبش دادخواهی، باعث شد که این جنایت هولناک در پرده سکوت نماند.

برخی از به اصطلاح «اصلاح طلبان» که از دایره قدرت حکومت اسلامی به بیرون پرتاب شدند نیز با طرح این استدلال که «برای جلوگیری از تکرار چرخه خشونت باید بخشد ولی فراموش نکرد»، کوشیدند خانوادهها و بازماندگان را عملاً از تلاش برای افشارگری این جنایت ضد بشری و دادخواهی بازدارند. اینان بدون شک می‌دانند که حقیقت یابی، دادخواهی و محاکمه آمرین و عاملین جنایت‌هایی از نوع کشتار دسته جمعی و اعدام زندانیان سیاسی و عقیدتی در سالهای 1360 و بویژه تابستان 1367، یکی از شیوهایی است که می‌تواند از تکرار چرخه خشونت در ایران جلوگیری کند. افزون بر آن، سرکوب و کشتار این انسانها، بخشی از تاریخ سرتاسر سیاه رژیم اسلامی در ایران است و متعلق به افکار، وجدان و حافظه عمومی جامعه می‌باشد. تردیدی نیست که آشکار ساختن تمامی ابعاد این نسل کشی و جنایت هولناک، از خواسته‌های ابتدایی و برحق خانوادهها و بازماندهگان است که طی تمامی این سالها از دادخواهی، هرچند با بهایی سنگین، دست بر نداشته اند. همراهی و همصدایی با این دادخواهی همچنین و بدون شک به سهم خود می‌تواند مانع از تکرار جنایاتی از این دست شود. در مقابل، سکوت، توجیه و یا بیطرفی، عواملی هستند که زمینه را برای تکرار چرخه خشونت و فجایعی از این دست فراهم می‌سازند.

دستگاه سرکوب، شکنجه و کشتار رژیم از کار نخواهد افتاد مگر آن که توده‌ها با آگاهی هر چه بیشتر و بیش از پیش در مبارزات جاری آزادیخواهانه، مدنی و صنفی و سیاسی خود را متشکل سازند. تا در چنین پیکاری بتوانند طومار این رژیم ضد انسانی را برای همیشه درهم پیچند، و بر ویرانه‌های آن حق حاکمیت مردم، آزادی، دموکراسی، و ایرانی آزاد برپا شود.

ما شرکت کنندگان در کنگره چهاردهم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، با ارج گذاردن بر تلاش شبانه روزی خانواده‌های اعدام شدگان سال 1367 و دیگر جانباختگان راه آزادی کشورمان در زنده نگهداشتن نام و یاد آنان از یک سو، و از سوئی دیگر در مقابله با اقدامات توطئه گرانه حکومت برای از بین بردن آثار جنایت خود در خاوران و دیگر خاورانهای سراسر ایران، همراه و همگام بوده و با دیگر سازمانها و گروههای مدافع حقوق انسانی، برای آشکار شدن تمام حقیقت، و شناخته شدن همه آمران و عاملان این جنایت سازمان یافته و محاکمه آنان از هیچ تلاشی فروگذار نخواهیم کرد. این تلاشها جزئی جدایی ناپذیر از مبارزات مردم برای آزادی و استقرار دموکراسی و عدالت در ایران است.

زنده باد یاد و خاطره همه جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

از طرف شرکت کنندگان در چهاردهمین کنگره

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

سوم خردادماه 1397